

شیوه تأثیرپذیری سنایی غزنوی از قرآن، احادیث و اقوال

ماه نظری*

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۵

چکیده

تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های پارسی‌گویان سده‌های سوم و چهارم چندان گسترده نبود و دوران اولیه خود را می‌گذراند. مضامین ادبی در آن عصر، بیش‌تر بر محور مدح و ستایش، عشق، تغزل‌سرایی می‌چرخید تا این که بلوغ و تحول شعر فارسی با سنایی آغاز شد و بازتاب انوار آیات قرآنی، احادیث، معارف دینی، تفکرات عرفانی و معانی دلپذیر را با قداستی ژرف جایگزین ستایش‌های مبالغه‌آمیز گردانید. حکیم سنایی معارف، معانی و احکام دلپذیر آیات و احادیث را با بیانی شیوا به گوش دل و جان رساند. این حرمت و تبرک با استناد و استشهاد از آیات و احادیث در شعر فارسی گسترشی روزافزون یافت تا سرانجام در سده هفتم و هشتم به ویژه در «مثنوی» مولانا به اوج خود رسید. در این مقاله بر آن هستیم که اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی و بنیادی، تأویلی، تطبیقی، تصویری، چندسویه حدیث را در دیوان سنایی مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژگان: اثرپذیری معنایی، قرآن، حدیث، اقوال، سنایی.

مقدمه

این تحقیق دربردارنده شناخت میراث فرهنگی، اجتماعی، هنری و اعتقادی گذشتگان این سرزمین کهن است. زیرا بی‌توجهی به فرهنگ ملی منجر به ناتوانی دریافت لطایف هنری و اعتقادی است که باعث احساس بی‌هویتی و امکان اندیشه‌گریزی، از خود بیگانگی و پذیرش الگوهای غیر ایرانی را در پی دارد و در درازمدت ساختارهای بومی و سنتی مثبت و مؤثر در تحکیم روابط انسانی و اجتماعی به وادی فراموشی سپرده خواهد شد. جانشینی ساختارهای تقلیدی که پیوندی با زندگی اجتماعی، فکری، اعتقادی و عاطفی مردم ایران ندارد، بسیاری از افراد را دچار سرگستگی و از خود بیگانگی خواهد کرد و «از آنجا که عمده‌ترین خویش‌کاری ادبیات، انسان‌سازی است، برای رسیدن به این هدف لازم است، عناصر و عواملی را بجویم که هم از جنبه‌های عاطفی و هم از جهات دیگر با ذهنیت و آرمان‌های همگان آشنا باشد و صبغه اعتقادی یا سنتی داشته باشد، ... رسالت عمده ادیبان هم این است که خاطره‌های ازلی را به انسان‌های فرهنگی دیگر انتقال دهند...» (راشد محصل، ۱۳۸۰: ۱۰) تا کسانی که زندگی را فقط در چنبره تنگ مادی نمی‌نگرند و چشم به زیبایی‌های واقعی و جاودانه دوخته‌اند به هدایت اندیشه‌ها بپردازند و در فکر ساختاری نو و سرنوشت‌ساز باشند. به همین دلیل حافظ صلاهی عام بر می‌دارد و می‌گوید:

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

(حافظ، ۱۳۸۰: ۵۱۰)

جانمایه اشعار سنایی بعد از تحول روحی، سرشار از آیات و احادیث، با معنویتی وصف‌ناشدنی و ارشادگرانه است:

سائق و قائد صراط الله به ز قرآن میدان وبه ز اخبار
جز به دست و دل محمد نیست حلّ و عقد خزانه اسرار

(سنایی، دیوان: ۲۰۲)

در این پژوهش گونه‌های مختلف اثرپذیری را به شیوه محمد راستگو در کتاب «تجلی قرآن وحیث در شعر فارسی» طبقه بندی و مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۱.۱. اثرپذیری واژگانی

در این شیوه شاعر در بکارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار حدیث و روایات است. از این طریق فرهنگ ایرانی از دو سرچشمه جوشان و درخشان قرآن و حدیث تغذیه می‌کند «که این شیوه به سه شکل وام‌گیری، ترجمه و برآیند سازی باعث گسترش دامنه واژگانی می‌شود. مانند جهاد اکبر و اصغر، اقلیم الست، عهد الست و شراب الست، شهید، شاهد، عمر نوح، دم عیسی و هم‌چنین بسیاری از اسماء و صفات خداوند که دارای خاستگاه واژگانی قرآن و اخبار است، مثل رزاق، رحمان، رحیم و ... که ترجمه و فارسی‌شده آن‌ها جهان‌آفرین، روزی‌ده، بنده‌پرور، خطاپوش و یا اسم‌های خاص قرآنی - روایی، چون آدم و حوا، اسحاق، اسماعیل، هاروت و ماروت و ترکیبات خاص که در پیوند با آن‌ها ساخته شده است مانند گناه آدم، سحر سامری، صبر ایوب، بوی یوسف، سحر بابل و ... (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۲-۲۸). در ابیات زیر به توضیح چند واژه پرداخته‌ایم:

کی پذیرد گرچه تشنه گردد از هر ابتر آب هر که را همّت کند در باغ جانس کوثری

(سنایی، ۱۳۶۲: ۶۵۹)

زاهدان و مصلحان مر نزهت فردوس را وین گروه لا ابالی جان عشق انگیز را

(همان: ۲۶)

تا به اکنون لائیان بودند خلقان چون ز عدل یک الف در لا در افزودند والائی شدند

(همان: ۱۵۱)

«لا ابالی» در معنی «بی باک، بی پروا» برگرفته از حدیثی چون این حدیث قدسی: «هُوَ لَا فِي الْجَنَّةِ وَلَا ابَالِي وَهُوَ لَا فِي النَّارِ وَلَا ابَالِي» (غزالی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۶) یا «لَائِي / اللَّائِي»: لَائِي به معنی

کافر، بی خدا (لائیک) و اللّائی به معنی مؤمن و موحد، هر دو برساخته و برگرفته‌اند از گزاره توحیدی "لا اله الا الله" است.

هم‌چنین شاعر، آتش را در معنای مجازی دوزخ، و فردا یعنی روز قیامت را برای تحذیر به کار برده است:

گر از آتش همی ترسی به مال کس مشو غرّه
که اینجا صورتش مار است و آنجا شکلش اژدرها
گر امروز آتش شهوت بکشتی بی‌گمان رستی
وگرنه تَفّ آن آتش تو را هیزم کند فردا

(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۴)

واژه‌های "صادقین، قانتین، منفقین، مستغفرین، صدیق و فاروق" که برگرفته از احادیث و آیات قرآنی است، در اشعار سنایی دامنه لغات و ترکیبات را گسترش داده‌اند که به ذکر ابیاتی چند در این زمینه می‌پردازیم:

صادقین بوبکر بود و قانتین فرخ عمر
منفقین عثمان، علی مستغفرین آمد به هم
سرفرازان قریش از زخم تیغش دیده‌اند
هر یکی در حربگاه اندازه خود لا جرم
بر سما دارد چو میکائیل و چون جبریل دوست
بر زمین دارد چو صدیقی و فاروقی خدم

(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۶۳-۳۶۴)

این لغات علاوه بر قرآن در احادیث و روایات گوناگونی ذکر شده است مانند: «قال الله عزّ وجلّ: ﴿وقوم الله قانتین﴾ یعنی مطیعین داعین و اذنی ما یجزی من القنوت انواع منها...» (صدوق، ۱۳۶۷: ۱/ ۳۱۵ باب وصف الصلاة) یا ﴿... وقوم الله قانتین فی صلاة الوسطی﴾ (حرّعاملی، بی تا: ۴، باب وجوب الصلوات الخمس). نیز واژه مستغفرین: ﴿... فقاموا بین یدیه مستغفرین أنت الذاکر قبل الذاکرین...﴾ (حضرت علی، ۱۳۶۷: ۳۴۹) یا «.. قال لكل أمة صدیق وفارق و صدیق هذه الأمة وفاروقها علی بن أبی طالب» (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۲۱۳/۳۸، باب ۶۵) یا «علی کان صدیق البرایا علی کان فاروق العذاب» (همان: ۲۸۵/۴۵، باب ۴۴).

۲. اثرپذیری گزاره‌ای

این شیوه بهره‌گیری به صورت اقتباس، تضمین و یا حل (تحلیل) است. اقتباس در لغت «پاره آتش یا نور و فروغ گرفتن است، و در فن بدیع آوردن آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از رسول اکرم (یا معصومان دیگر) یا بیت معروفی است به نحوی که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال» (حلبی، ۱۳۸۵: ۶۸). در بیت زیر سنایی از حدیث: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِّ» (سیوطی، بی تا: ۱/ ۳۱۱) اقتباس کرده است:

در درون تو خصم با تو هم لفظ سید که بجری مجری الدّم

(سنایی، ۱۳۸۶: ۴۷۱)

حضرت علی در مورد "صبر" می‌فرماید: «تَذَكَّرْ قَبْلَ الْوَرْدِ الصِّدْرِ وَالْحَذْرُ لَا يَغْنَى مِنَ الْقَدْرِ وَالصَّبْرُ مِنْ اسْبَابِ الظُّفْرِ» (حضرت علی، ۱۳۶۷: ۵۷۰):

ور همی دعوی کنی گویی که لی صبر جمیل پس فغان و زاری اندر بیت احزان شرط نیست

(سنایی، ۱۳۶۲: ۹۵)

از همه چیزهای بگزیده هست جُهد المقل پسندیده

(همان: ۱۳۰)

«أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ جُهدُ الْمُقْلِ» (سیوطی، بی تا: ۱۲۵۹).

تضمین: «شاعر گزاره‌های (خواه جمله کامل یا ناقص باشد) روایتی را با همان ساختار عربی بی هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی (یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریزی نیست) در سخن خود جای می‌دهد. شاعر در این طریق دارای اهداف گوناگون و اغراض ثانویه‌ای، چون تبرک، تبیین و توضیح، تعلیل، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و نکته‌پردازی، اظهار فضل، هنرنمایی و غیره است:

تنگ شد بر ما فضای عافیت بی هیچ جرم این چنین باشد اذا جاء القضاء ضاق الفضاء

(سنایی، ۱۳۶۲: ۴۳)

قال النبی(ص): «إذ جاء القضاء ضاق الفضاء» (بحار الانوار، ج ۷۴: ۱۶۵).

هر دم از روی ترقی بر کتاب عاشقی جدّوا ایمانکم در دیده جان داشتن

(سنایی، ۱۳۶۲: ۴۶۲)

قال النبی(ص): «جدّوا ایمانکم» (کنز العمال: ۶۱۸/۱).

حل: اگر دستکاری در ساختار اصلی آیه و حدیث تا مرز از هم پاشیدن ساخت و بافت آیه و حدیث باشد در زبان ادب حلّ و تحلیل گویند» (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۰ و ۳۳).

در بیت زیر سنایی به شیوه حلّ، گفته بایزید بسطامی را که می گوید: «دع نفسک و تعال» (ابن عربی، بی تا: ج ۵۶۱/۲) مایه امر و نهی قرار داده است و به تحذیر می پردازد: راست گفت آن کسی که از سر حال گفت "دع نفسک" ای پسر و "تعال"

(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۱۴)

۳. اثرپذیری گزارشی

در این طریق گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به شیوه ترجمه یا تفسیر به پارسی گزارش می کند» (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۸):

قیمت هر کس به قدر علم اوست این چنین گفته است امیرالمؤمنین

(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۱۱۹)

این اثرپذیری گزارشی، ترجمه ای از سخنان / امیرالمؤمنین است که: «قیمة کُلِّ امرء ما یعلم» (غررالحکم: ۵۰۲/۴).

شیوه تأثیرپذیری سنایی غزنوی از قرآن، احادیث و اقوال / ۷۳

سنایی حدیث نبوی «لِيسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايِنَةِ» (سیوطی، بی تا: ۴۵۱/۲) را در بیت زیر به صورت ترجمه به کار برده است:

مرا تو راحت جانی معاینه نه خبر کجا معاینه باشد خبر چه سود کند

(سنایی، ۱۳۶۲: ۸۶۱)

یا حدیث «الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بَعْدَ الْهَمِّ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ» (کلینی، بی تا: ۱۳۴/۱، جوامع التوحید) در ابیات زیر:

در ذات لطیف تو، حیران شده کامل‌ها بر علم قدیم تو، پیدا شده پنهان‌ها

(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۶)

سنایی از طریق ترجمه حدیث: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِّ» (سیوطی، بی تا: ۳۱۱/۱) ابیاتی به شرح زیر سروده است:

با تو اندر پوست باشد بی گمان ابلیس تو تا تو اندر عشق دم در خانه آدم زنی
در نهاد تو دو صد فرعون با دعوی هنوز تو همی خواهی که چون موسی عصا بر یم زنی
چون ولایت‌ها گرفت اندر تنت دیو سپید رستم راهی، گر او را ضربت رستم زنی

(سنایی، ۱۳۶۲: ۶۹۴)

هم‌چنین فرمایش رسول (ص): «الْقَبْرِ إِمَارَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَإِمَا حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۷۵/۶) قابل‌سنجش با بیت زیر است:

نیک تو روضه‌ای شود ز نعیم بد تو حفره‌ای شود ز جحیم

(سنایی، ۱۳۸۶: ۴۱۸)

سنایی بارها به آفرینش عقل اشاراتی دارد و در بیت زیر با شیوه ترجمه از حدیث «إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ» (فروزانفر، ۱۳۷۰: ۲۰۲) به نقل از اللآلی المصنوعه، ج ۱/۱۲۹) به بیان اعتقاد خویش پرداخته است:

که اول آفریده‌ها عقل است برتر برگزیده‌ها عقل است

(سنایی، ۱۳۸۶: ۶۲)

شیوه تفسیری

سنایی با تکیه بر احادیث «البطنة تمنع الفطنة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۴/۱) و «لا تجتمع الفطنة والبطنة» (همان، ۳۷۰/۶) در ابیات زیر به شرح و تفسیر پرداخته است:

اولین بند در ره آدم	بود نای گلو و طبل شکم
طبل و نای است اصل فتنه و شر	هر دو بگذار خوار و خود بگذر
هر کش امروز قبله مطبخ شد	دان که فرداش جای دوزخ شد
کآدمی را در این کهن برزخ	هم ز مطبخ دری است در دوزخ
کم خورش تخم شر و بطنت نیست	هر کجا بطنت است فطنت نیست
چون خوری بیش پیل باشی تو	کم خوری جبرئیل باشی تو
کم خوری ذهن و فطنت و تمیز	پر خوری تخم خواب و آلت تیز
هر که بسیار خوار باشد او	دان که بسیار، خوار باشد او
خور اندک فزون کند حلمت	خور بسیار کم کند علمت
اصل دانش بود ز کم خوردن	مرد پر خوار اصل آزدن

(سنایی، ۱۳۸۶: ۳۸۹)

این حکیم والامقام برای رستگاری انسان به دنبال راه حلی می‌گردد که در این جستجو با ارشاد و مدد قرآن فقط قلب سلیم را کلید نجات می‌پندارد و می‌گوید:

دعوی دل مکن که جز غم یار	نبود در حریم دل دیار
دیه بود آن نه دل که اندر وی	گاو و خر باشد و ضیاع و عقار

(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۹۹)

دلی که در آن جز غم یار نباشد همان است که در قرآن کریم آمده است: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء/۸۸ و ۸۹) و یا تفسیر روایت: «الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَلَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ وَكُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۷۰) که سنایی در شرح و تفسیر چنین دلی می‌گوید:

دین ندارد کسی که اندر دل	مر ورا نیست مغز دل حاصل
این چنین پر خلل دلی که تو راست	دد و دام‌اند با تو زین دل راست
پاره گوشت نام دل کردی	دل تحقیق را خجل کردی
تو ز دل غافل و بی خبری	دگر است آن دل و تو خود دگری
دل که با چیز این جهان شد خویش	لیک دل را ز ده ندانی تو
این که دل نام کرده‌ای به مجاز	دان که زان دل دلی نیاید بیش
دل بود راه آن جهانی تو	رو به پیش سگان کوی انداز

(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۳۹ - ۳۴۰)

۴. اثرپذیری الهامی - بنیادی

«گوینده مایه و اساس سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهامی بنا می‌گذارد، و این مضمون گیری گاه بسیار آشکار و در حد ترجمه آزاد است و گاه دور و پنهان که پذیرش اثرپذیری را دشوار می‌سازد» (راستگو، ۱۳۷۶: ۴۷)؛ مانند این بیت حافظ:

واعظ شحنه‌شناس این عظمت گو مفروش زان که منزلگه سلطان دل مسکین من است

(حافظ، ۱۳۸۰: ۵۹)

حافظ در مصراع دوم بیت بالا با الهام از روایت «اناعند المنكسرة قلوبهم» (مستملی بخاری، ۱۳۶۶: ۱۲۷/۳) پیوندی آشکار و نزدیک ایجاد کرده است که این حدیث در ذهن خواننده آشنا با اخبار و روایت‌ها قابل تداعی است.

با الهام‌پذیری از «الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۹/۴) سنایی دنیا را کشتگاه آخرت دانسته و با پیوندی آشکار چنین گفته است:
ز بهر کشت آنجا راست اینجا کشتن آدم
ز بهر زاد آنجا راست اینجا زادن حوّا

(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۶)

به طور کلی سنایی به گونه‌های مختلف تحت تأثیر «اثرپذیری الهامی - بنیادی» روایات قرار گرفته است، و اعتقادات خویش را با آیات قرآنی و روایات منور ساخته است مانند تأثیرپذیری از سخنان حضرت علی(ع) که می‌فرماید: «عَلَّمَ لَا يُصْلِحُكَ صَلَالٌ وَمَالٌ لَا يَنْفَعُكَ وَبَالٌ» و یا «رُبَّ جَهْلٍ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵/۴ و ۶۸) در ابیات زیر:

علم کز تو تو را بنستاند	جهل از آن علم به بود صد بار
آب حیوان چو شد گره در حلق	زهر گشت ارچه بود نوش گوار
نه بدان لعنت است بر ابلیس	که نداند همین یمین ز یسار
بل بدان لعنت است کاند در دین	علم داند به علم نکند کار
دوری از علم تا ز شهوت و خشم	جانت پر پیکر است و پر پیکار

(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۰۰)

هم‌چنین با الهام از آیه «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ سَكَنٍ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب/۴) و روایت «کیف یدعی حب الله من سکن قلبه حب الدنيا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۶۶/۴) حکیم سنایی با لحنی اعتراض آمیز به مذمت دنیا پرستان که دم از عشق حق تعالی می‌زنند پرداخته است:
با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست
یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن

(سنایی، ۱۳۶۲: ۴۸۸)

در بیت زیر گونه‌ای دیگر از اثرپذیری الهامی است تحت تأثیر «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدَ عَرَفَ رَبَّهُ» (حضرت علی، ۱۳۲۶: ۵۴۷/۴):

در ره قهر و عزت صفتش کنه تو بس بود به معرفتش

(سنایی، ۱۳۸۶: ۶۲)

۵. اثرپذیری تأویلی

در این شیوه «شاعر آیه یا حدیثی را دستمایه سروده خویش می‌سازد، با ذوق‌ورزی، نکته‌یابی، پنهان‌پژوهی و موشکافی از لایه‌های برونی و دریافت‌های همگانی و پیام‌های آشکار سخن در می‌گذرد و به لایه‌های درونی آن راه می‌یابد، و پیام‌هایی پنهانی را باز می‌کند که پیغامی به همراه خواهد داشت و شاعر از آیه یا حدیث معنایی نغز و نو به دست می‌دهد. ناگزیر این اثرپذیری بر خلاف دیگر اثرپذیری‌ها – که گاه پنهان و گاه آشکار – همواره آشکار خواهد بود» (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۵). سنایی در بیت‌های زیر به تأویل فروتنی و تواضع و نتایج خاکساری می‌پردازد:

سر بنه در بی‌خودی چون آب و خاک اندر نشیب تا چو باد و آتش از پاکی بر آیی بر فراز
تا نگردي چون بنفشه سوی پستی سرنگون کی چو نیلوفر شود چشم تو بر خورشید باز

(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۰۲)

«إِنَّ التَّوَّاعِعَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَةً فَتَوَاضَعُوا لِرَفْعِكُمْ اللَّهُ» (رسول اکرم، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

۶. اثرپذیری تطبیقی

«در این روش که از یک دیدگاه به اثرپذیری تأویلی نزدیک است، گوینده، حدیثی را در موردی ویژه که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارد تطبیق می‌دهد، بی آنکه معنی ظاهری و اصلی آن را نقد و رد یا تأویل و توجیه کند. بلکه می‌توان گفت در این شیوه معمولاً به معنی اصلی و اولی حدیث نظری ندارد و همین موضوع مهم‌ترین تفاوت تأویل با تطبیق است. زیرا در اثرپذیری تأویلی گونه‌ای چاره‌جویی است برای به دست آوردن معنایی خردپسندانه و دلچسب از حدیثی که معنی ظاهری آن دور و دشوار به نظر می‌رسد و به ژرف‌کاوی نیازمند است برای رهایی به لایه‌های درونی حدیث، در موقعیتی که پذیرش معنی ظاهری دشوار نباشد. اما تطبیق

نه چاره‌جویی است و نه حتی ژرف‌کاوی، بلکه گونه‌ای نکته‌پردازی و ذوق‌انگیزی است برای پیوندادن دو چیز و تطبیق یکی از آن‌ها بر دیگری، دو چیزی که به ظاهر با هم پیوند ندارند، نظیر پیوندهای تشبیهی و تمثیلی که میان دو چیز برقرار می‌شود، از این رو تشبیه تمثیلی که "مشبه به" آن‌ها آیه یا حدیثی است، اثرپذیری تطبیقی خواند» (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۹-۶۰) مانند ابیات زیر:

اندرین عالم غریبی، ز آن همی گردی ملول تا «ارحنا یا بلالت» گفت باید بر ما

(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۴)

شاعر بین مصراع اول و مصراع دوم با نکته‌پردازی و ذوق‌انگیزی، پل ارتباطی ایجاد کرده و حدیث «یا بلال ارحنا بالصلاة» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۲ ق: ج ۵، ۳۶۴) را با شیوه تطبیقی از رهگذر تمثیل و استدلالی شاعرانه به هم درآمیخته است.

۱.۷ اثرپذیری تصویری

در این شیوه شاعر «تصویر شعر خویش را از قرآن و حدیث به وام می‌گیرد. مراد از تصویر نقش‌آفرینی‌ها، سیماسازی‌ها، نگاره‌پردازی‌ها و چهره‌بخشی‌ها شاعرانه است که سخنور با خامه خیال بر صفحه سخن می‌نگارد و می‌پردازد و حاصل آن همان است که در زبان ادب تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تجسیم، تشخیص و به طور کلی صور خیال (= ایماژ) خوانده می‌شود. شاعر در اثرپذیری تصویری حدیثی را به طور مستقیم یا غیر مستقیم در همان حال و هوا یا در حال و هوایی دیگر باز می‌سراید و یا سخن خویش را بر محور و مدار تصویر پی‌ریزی می‌کند و نکته‌ای از روایت و آیه‌ای را «مشبه به» قرار می‌دهد» (راستگو، ۱۳۸۳: ۶۱) مانند:

مگردان عمر من چون گل که در طفلی شود کشته مگردان حرص من چون مل که در پیری شود برنا

(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۷)

تصویر مصراع دوم (تشبیه) یعنی در پیری برنا شدن می‌تواند برگرفته از این سخن حضرت رسول (ص) باشد: «يَهْرُمُ ابْنَ آدَمَ وَيَشُبُّ فِيهِ خَصْلَتَانِ الْحِرْصُ عَلَى الْمَالِ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمْرِ» (ری شهری، ۱۳۶۲: ۲۹/۱۰) و بسیاری از شعرا با این مضمون تصویرسازی کرده‌اند: وبال است بر مرد عمر درازش چون عمر درازش فزود اندر آتش

(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۴۷۹)

شاعر تصویری دیگری از دنیا ترسیم می‌کند که متأثر از این سخن امام موسی کاظم (ع) است: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ زَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۱/۷۸):

تشنه جاه و زر مباش که هست
نبرند از تو تشنگی و کنند
جاه و زر آب پارگین و بحار
این دهان گند و آن جگر افکار

(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۰۰)

یا تشبیه کردن دنیا به ریاطی دو در که متأثر از این روایت است که: «كِدَارٍ لَهَا بَابَانِ دَخَلَتْ مِنْ أَحَدِهِمَا وَخَرَجَتْ عَنِ الْآخَرِ» (ری شهری، ۱۳۶۲: ۳۳۹) است:

مسلمانان سرای عمر در گیتی دو در دارد
که خاص و عام و نیک و بد بدین هر دو گذر دارد
دو در دارد حیات و مرگ کاندرا اول و آخر
یکی قفل از قضا دارد یکی بند از قدر دارد
چو هنگام بقا باشد قضا این قفل بگشاید
چو هنگام فنا آید قدر این بند بر دارد

(سنایی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)

۸. اثرپذیری چند سویه

باید گفت که شیوه‌های مذکور مانع الجمع نیستند، و چه بسا پاره‌ای از آن‌ها با یکدیگر در یک نمونه جمع می‌شوند مانند نمونه‌های زیر:

چون به صحرا شد جمال سید کون از عدم
جاه کسری زد به عالم‌های عزل اندر قدم

کوس دعوت چون بزد در خاک بطحا در زمان
با قلم باید علم تا کارها گیرد نظام
از ریاحین سعادات و گل تحقیق و انس
از دم صمصام و رمح چاکران خویش کرد
مہتر اولاد آدم خواجه هر دو جهان
بر سریر چرخ گردان جاه او بینی نشان
بر کنار عرش بر زد رایت ایمان علم
او علم بفراخت اندر کل عالم بی قلم
صدہزاران جان به دعوت کرد چون باغ ارم
ہم عجم را بی ملوک، ہم عرب را بی صنم
آن کہ یزدانش امامت داد بر کل امم
بر نهاد عرش یزدان نام او بینی رقم

(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۶۳-۳۶۴)

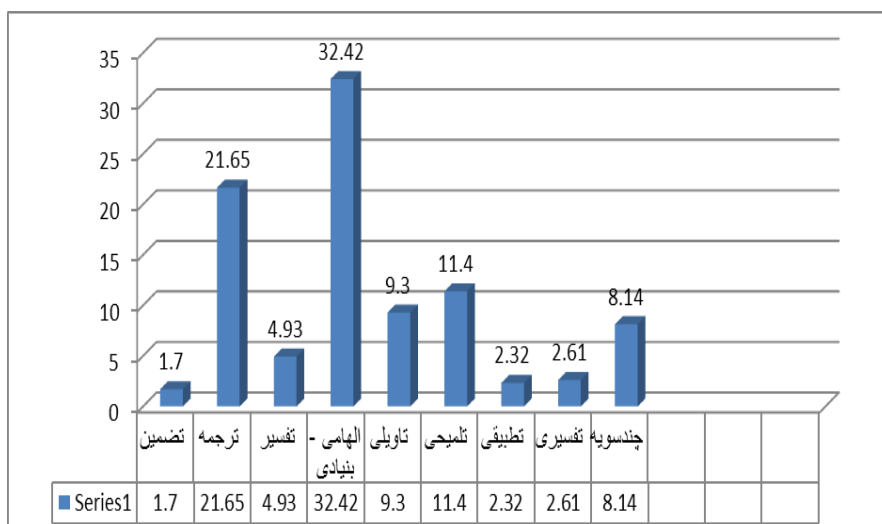
بیت اول افزون بر اثرپذیری واژگانی «سید کون» دارای اثرپذیری تلمیحی، و اشاره به حدیث «... و أناسید ولد آدم و لا فخری» (حرّ عاملی، بی تا: ۲۳/۳۵)، در بیت‌های ۸ و ۷ و ۶ هم اثرپذیری واژگانی و هم اثرپذیری گزارشی (ترجمه و تفسیر) و اثرپذیری تلمیحی کاملاً مشهود است که به شیوہ‌های مختلف به حدیث زیر اشاراتی دارد: «وقال النبی ص سید العرب فقالت عائشة یا رسول الله ألس ت سید العرب قال أناسید ولد آدم و علی سید العرب... أنا خاتم النبیین و إمام المتقین و رسول رب العالمین قالوا لی من لی العرب أم لی العجم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۴/۹؛ باب احتجاج النبوی).

نتیجہ بحث

نحوه کاربرد احادیث در اشعار سنایی ارتباط تنگاتنگی با اهداف وی دارد. زیرا او در پی اثبات یک مدعاست و هدفش القای معانی و بیان حکمت است، و خود را مجاز می‌داند که از آیات و احادیث، متناسب با تفسیر و تأویل بهره گیرد. به همین دلیل در ادب عرفانی مضامین حکمی و اخلاقی از آیات و احادیث به شیوہ‌های اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی و بنیادی، تأویلی، تطبیقی، تصویری و چند سویه بهره‌ای وافر برده است تا انتقال معانی ذهنی خود را به مخاطبان خویش میسر سازد.

زیرا ادبیات کهن ما پر از حکایات و نکات ظریف و اشارات لطیف اخلاقی، فلسفی، دینی، کلامی، عرفانی، اجتماعی و اوامر و منکرات است که به وضوح در سطر سطر این آثار جلوه‌گری می‌کند. در تمام این موارد به عظمت روح انسانی که هدف کل آفرینش است اشارات مکرر دارد و

انسان در خود گم گشته و سرگردان را ارشاد می‌نماید تا دستورالعمل‌هایی را که در آیات آسمانی قرآن و احادیث و روایات برای فلاح و نیل به کمال جویی و سعادت اوست به کار بندد.



نمودار سنجش گونه‌های مختلف اثرپذیری از قرآن و حدیث

کتابنامه

قرآن مجید.

نهج الفصاحه.

نهج البلاغه.

ابن عربی. بی تا، **فتوحات مکیه**، ج ۲، بیروت: دار صادر.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶ش، **غرر الحکم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

حلبی، علی اصغر. ۱۳۸۵ش، **تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.

حنبل، احمد بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مسند احمد**، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

راستگو، محمد. ۱۳۷۶ش، **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب

علوم انسانی دانشگاهها(سمت).

ری شهری، محمد. ۱۳۶۲ش، **میزان الحکمه**، ۱۰ مجلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۶۲ش، **دیوان**، به اهتمام مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه

سنایی.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر. بی تا، **جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر**، چاپ چهارم،

قاهره.

شیخ صدوق. ۱۳۶۴ش، **التوحید**، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۳۶۵ش، **التهذیب**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.

مستملی بخاری، ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد. ۱۳۶۶ش، **شرح التعرف لمذهب التصوف**، تعلیقات محمد

روشن، چاپ اول، تهران: اساطیر.

مقالات

ایرانش، مریم. پاییز ۱۳۹۲، «**بررسی نکته های قرآنی در عالم آرای نادری**»، فصلنامه مطالعات قرآنی،

دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۴۷-۱۶۲.